
پیدایش روشنفکر گفت‌وگویی در ایران؟

مطالعه‌ای تاریخی

از روشنفکران سکوت تا روشنفکران ارتباطی

(مجموعه مقالات و چند گفت‌وگو)

تألیف: محمد امین قانع‌راد



سرشناسه: قانع‌راد، سیدمحمدامین، ۱۳۳۴-۱۳۹۷

عنوان و نام پدیدآور: پیدایش روشنفکر گفت‌وگویی در ایران؛ مطالعه‌ای تاریخی؛ از روشنفکران سکوت تا

روشنفکران ارتباطی؛ مجموعه مقالات؛ ویرایش صوری؛ نسرين اسدی جعفری

وضعیت ویراست: [ویراست ۲]

مشخصات نشر: تهران: نشر آگاه، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۴۷۶ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۶-۴۳۳-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: چاپ دوم.

عنوان دیگر: مطالعه‌ای تاریخی؛ از روشنفکران سکوت تا روشنفکران ارتباطی

موضوع: روشنفکران - ایران - تاریخ

موضوع: Intellectuals - Iran - History

موضوع: روشنفکران دینی - ایران

موضوع: Intellectuals, Religious - Iran

موضوع: روشنفکران - ایران - نگرش‌ها

موضوع: Intellectuals - Iran - Attitudes

رده‌بندی کنگره: HM۷۲۸

رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۵۵۲۰۹۵۵

ش.ا. هی کتاب‌شناسی ملی: ۵۹۱۰۰۹۵



محمدامین قانع راد

پیدایش روشنفکر گفت‌وگویی در ایران؟

مطالعه‌ای تاریخی؛ از روشنفکران سکوت تا روشنفکران ارتباطی

چاپ یکم: بهار ۱۳۹۸، آماده‌سازی و نظارت بر چاپ: نشر آگاه

ویرایش صوری: نسرين اسدی جعفری

طراح جلد: محمودرضا لطیفی

لیتوگرافی: طاووس رایانه، چاپ: منصور، صحافی: آگه

چاپ دوم (ویرایش دوم): ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

انتشارات آگاه

خیابان انقلاب، بین اردیبهشت و ۱۲ فروردین، شماره‌ی ۱۳۴۰.

info@agahbookshop.com

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.com

قیمت: ۷۰,۰۰۰ تومان

فهرست

۹	مقدمه
۳۳	مذهب روشنفکران و هیأت سکوت
۵۹	فردگرایی روشنفکران سوسیالیستی ایران
۸۱	صورت‌های اندیشیدن به آینده در ایرانیت روشنفکران ایرانی
۸۵	نسبت روشنفکران ادیبی با گفت‌وگو در عصر روشنی‌های ایرانی
۱۰۱	گسست‌های ارتباطی و گفتگومانی روشنفکران عصر مشروطه
۱۱۹	تجربه‌ی شهر مدرن: تهران در آثار روشنفکران ادیبی
۱۶۷	نگرش سیاسی روشنفکران ایرانی
۱۹۹	روشنفکر ایرانی در میانه‌ی روشنفکران آلمانی و روس‌ها
۲۲۹	در زمانه‌ی زوال عقلانیت
۲۴۵	روشنفکری و کافه‌نشینی
۲۵۱	جابه‌جایی گروه‌های مرجع مذهبی و زوال فکر دینی
۲۵۱	روشنفکر غایب و مرجعیت سلبریتی‌ها
۲۶۷	رخوت فکری یا زایش‌های پنهان
۲۷۱	روشنفکر به مثابه مدافع امر اجتماعی
۲۷۹	اتوپای مشارکتی در نظریه‌ی چندفرهنگی آینده‌اندیشی
۳۱۳	شیوه‌های مفهوم‌پردازی روشنفکران
۳۲۷	هابرماس و روشنفکران ایرانی
۳۵۱	تحول فرهنگ روشنفکری
۳۸۳	مشارکت گفت‌وگویی در شبکه‌ی نخبگان دانش
۴۱۷	روشنفکر سیاسی، روشنفکر فرهنگی و روشنفکر اجتماعی
۴۴۱	تکرار تاریخ فرهنگی و دینی در اندیشه‌ی علمی
۴۶۳	منابع

مقدمه

این مقدمه با تأکید بر مضمون «تحول فرهنگ روشنفکری» تدوین شده است. مقاله‌ای با همین عنوان در این مجموعه دگرگونی نسبی ارزش‌های ارتباطی را در بین روشنفکران ایرانی در دهه‌های اخیر بررسی می‌کند. محتوای کتاب اما به مفهوم فکر، تفکر و روش تفکر در ایران پسااسلام می‌پردازد. مفهوم روشنفکر به معنای وسیع آن در جامعه‌شناسی معرفت مورد استفاده قرار گرفته است. روشنفکران را همچون «تولیدکنندگان اندیشه» و سازندگان ایدئولوژی‌ها و جست‌وجوگران انسجام معنایی با آموزش‌های مبتلف کلامی، ادبی، فلسفی، علمی و... تعریف می‌کنند که مفهوم دنیا را به مسئله‌ای معنا تبدیل کرده‌اند. آنان سازندگان و حافظان قلمروهای معنا هستند.^۱

مقالات کتاب بر مبنای دوره‌ها و ازمنه‌ی تاریخی از قرون اولیه‌ی اسلام، دوره‌ی میانه، عصر مشروطه، عصر پهلوی تا عصر انقلاب و پساانقلابی و عصر گسترش ارتباطات مجازی و برآمدن سلبریتی‌ها به‌عنوان مدعیان روشنفکری تنظیم شده است و اکنون در اختیار خوانندگان قرار دارد. رعایت این زمان‌بندی‌ها، در عین حال، دلالتی بر رویکرد و روش تاریخی این مقالات

۱. در مورد تعریف وسیع از مفهوم روشنفکر در جامعه‌شناسی معرفت نک. برگرو و لاکمان، ۱۳۷۵؛ مانهایم، ۱۳۸۰؛ همچنین: Sadri, 1992: 58-68; Weber, 1958: 279-82; Weber, 1964: 116-17 & 124-25.

است. این مقالات، که طی نزدیک به دودهم نگارش یافته و اکنون در این مجموعه فراهم آمده است، می‌تواند به علاقه‌مندان مباحث تفکر و روشنفکری در درک جامعه‌شناختی تحول اندیشه‌ی روشنفکری و احتمالات آینده‌ی تفکر در ایران کمک کند.

روشنفکران هم‌زمان سازندگان و نقادان نظام‌های فیزیکی و متافیزیکی‌اند. روشنفکران به معنای تحصیل‌کردگان حرفه‌ای و - به قول برگر و لاکمان - «خبگان جهان‌شمول، سازندگان نظام‌های فیزیکی و متافیزیکی‌اند (برگر و لاکمان، ۱۳۷۵: ۱۶۰). روشنفکری به معنای اندیشه‌ی انتقادی در برابر آگاهی فیزیکی و متافیزیکی بر خودآگاهی انسانی تأکید دارد. روشنفکری در معنای اخیر بولد و مدافع نوعی از دانش است که فقط به فیزیک (جهان طبیعی، روانی و اجتماعی) بسنجی مستقل و بیرونی (یا متافیزیک (جهان استعلایی و پیشینی که یکسان باید پذیرفته شود) نمی‌پردازد، بلکه نسبت این دو را با خود فردی و خود جمعی اثر مرستند. بنابراین روشنفکر خود را در برابر دیگری - دیگری فردی یا جمعی، است و نسبت و نسبت خدا و عقل و دولت - می‌گذارد و از نسبت این دو پرسش می‌کند. خودآگاهی رابطه‌ی بازاندیشانه‌ی خود با جهان به عبارت دیگر رابطه‌ی تأملی با دنیا، فیزیک و متافیزیک است. این خودآگاهی گاه از طریق بازاندیشی یا تبدیل ناخودآگاه - آگاه حاصل می‌شود. خودآگاهی امکان بازاندیشی در مفروضات پنهان فیزیک و متافیزیک را فراهم می‌کند که به نوبه‌ی خود به انسانی شدن آن‌ها می‌انجامد (بورديو، ۱۳۶۶) ذات روشنگری را به مثابه پذیرفتن مسئولیت برای «خوداندیشی» و رهایی از آگاهی و نابالغی تعریف می‌کند: «دلیر باش در به‌کارگرفتن فهم خویش! این است شعار روشن‌نگری» (کانت، ۱۳۷۶) و مارکس به دنبال رهایی آدمیان از فیزیک کار با قدرت اجتماعی از خودبیگانه‌کننده‌اش است.^۱ این که هورکهایمر و آدورنو نشان می‌دهند که چگونه روشنگری به زوال فردیت و تفاوت انجامیده است و طبیعتاً اسطوره‌ای جدید به بار آورده است، نشان از تناقض اندیشه‌ی روشنفکران

۱. برای اطلاعات بیشتر در این باره نک. مقاله‌ی کارل مارکس با عنوان «کار بیگانه شده» در مارکس، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۴۱.

ندارد، بلکه ناشی از ظرفیت‌های بازانندیشی روشنفکران است.^۱ روشنفکران از طریق ارانه‌ی نظام‌های معنایی در پی ساختن سوژه‌ی انسانی و هویت‌های جمعی‌اند. ژانرهای متفاوت روشنفکری این کار را به گونه‌های متفاوت انجام می‌دهد. این که طرح سوژه‌سازی ممکن است به قول وبر و فوکو به انقیاد و سلطه بر سوژه‌ها بینجامد (بورديو، ۱۳۸۶) نیز نشان از پیچیدگی‌ها و تناقض‌های گونه‌ها، زندگی دارد و لزوماً انصراف روشنفکران را از طرح سوژه‌سازی ایجاب نمی‌کند. سوژه‌ها در ساختارها شکل می‌گیرند و تأثیر می‌گذارند و در عین حال از نسبی‌تر خبر می‌دهند؛ احیا و تجدید یک فرهنگ و قوم، نقد، بازیابی و آفرینش ارزش‌ها و برج آر‌های جدید معمولاً با فعالیت‌های روشنفکرانی همراه است که به‌طور هم‌زمان بر ویکرد هرمنوتیک انتقادی در تاریخ قرار می‌گیرند و از آن فراتر می‌روند. «تعیین» میان‌بودگی به روشنفکر توانایی تأمین‌کنندگی پویایی تفکر و راهبرد می‌دهد. بارانی که قادر به زیستن در این موقعیت ابهام‌آمیز همه‌جا بودن و هیچ‌ماندن باشد، هم‌زمان الهام‌بخش «بودن و شدن» فردی و جمعی آدمی است. روشنفکر انتقادی در دوگانه‌ی علم و فرهنگ دغدغه‌ی فرهنگ و در دوگانه‌ی حقیقت و مردم دغدغه‌ی مردم و جامعه‌ی خود را دارد. صورت‌بندی بهتر از مسأله این است که روشنفکر به نسبت علم و حقیقت با فرهیختگی و زندگی مردم بازانندیشی. روشنفکر به دلیل تأکید بر سوژه نسبتی با ایدئالیسم دارد؛ این ایدئالیسم در حقیقت دگماتیسم فیزیک و متافیزیک فراتر رود. از نظر متخصص، دانش‌ها به طبیعت تعلق دارند ولی از نظر روشنفکر، دانش‌ها به روح تعلق دارند و اندیشه و ایده مفهومی است که هر قوم از خود و حقیقت خویشتن دارد. اگر دانش متخصص نسبتی با سودمندی دارد، روشنفکری از نسبت دانش با روح و سوژه پرسش می‌کند.

روشنفکر لزوماً با امر تجربی و امر متعالی - و شیوه‌های گوناگون ترکیب و رابطه‌ی آن‌ها با همدیگر - مخالفتی ندارد، ولی کار خود را بازانندیشی در نسبت امر پسینی یا امر پیشینی با احوالات فردی خود و اطوار فرهنگی جامعه‌اش

۱. در مورد اهمیت بازانندیشی در مبانی ارزشی و معرفت‌شناختی و همچنین آگاهی نسبت به جهان ناخودآگاه علم نک. بورديو، ۱۳۸۶.

می‌یابد. کار روشنفکران، از نظر جمعی، صورت‌بندی آگاهی اجتماعی در یک زمانه‌ی خاص، بیان نیازهای معنایی دوران و پیوند ایده‌های عام انسانی با منافع و علایق خاص است.^۱ «روشنفکر» مفهوم خود را در هر زمانه‌ای به چالش می‌کشد. نوعی از خودشناسی و شکل‌گیری مجدد جامعه را سامان می‌دهد که نه سیاست‌مدار نه تکنوکرات و نه دانشگاهی - به معنای خاص آن‌ها - هیچ‌کدام ظرفیت و توانایی انجام آن را ندارد. روشنفکر با مشارکت در جنبش‌های اجتماعی یا طرح مفاهیم تازه سوژه‌سازی می‌کند و مردم را به نیروهای اثرگذار تاریخی تبدیل می‌کند. روشنفکر با درک حساسیت‌ها و شرایط تحول و تغییر تاریخی به مردم می‌گوید که به سبک دیگری نیز می‌توانند زندگی کنند. راه دیگری نیز وجود دارد؛ روشنفکری ممکن است در طرح مسئله و راه‌بردها اشتباه کند، با وجود این، جامعه به چنین ژانر فکری نیاز دارد. طرح روشنفکر، تولید سوژه یا سوژه‌سازی در زمانه‌ی غلبه‌ی ابره‌ها و شینی‌شدن و کالایی‌شدن فردی و اجتماعی است. ساختن سوژه همچون یک برنامه‌ی ضروری است؛ فرایندی که گاه از ایجاد مخاطره فراتر می‌رود و به تولید فاجعه می‌انجامد و برخلاف انتظار گاه خدمات روشنفکری را خواسته و ناخواسته با خیانت‌ها تلخ در می‌آمیزد. طرح سوژه‌سازی از این حیث ممکن است در معرض فاجعه‌آمیزی قرار گیرد که سوژه‌های برآمده گاه دیگر نه به میان سوژگی و ذهنیت مشترک تن می‌دهند، نه اهمیت تاریخی و الزامات ساختارها را می‌پذیرند و به رسمیت می‌نهند. روشنفکران طی تاریخ به شیوه‌ی پارادوکسیکال، به خاطر رهایی و آزادی، آگاهی فریده‌اند. این را در استالینیسیم هم می‌بینیم، «تراژدی روشنفکری» چیزی است که باید نسبت به آن آگاه بود: بسیاری از فجایع جهان را ممکن است روشنفکران ایجاد کنند. در دیدگاه وبر، پروتستان‌تیسیم موجب توسعه‌ی جهان سرمایه‌داری و گسترش عقلانیت شده است، از طرف دیگر، برخی محققان ریشه‌ی خشونت‌های

۱. بابک احمدی در کتاب خواندنی خود با عنوان کار روشنفکری (۱۳۸۴) به‌جای اتخاذ موضع نظری خاص برای تعریف مقوله‌ی روشنفکری، آن را بر اساس کردارها و کنش‌هایش در جوامع گوناگون تعریف می‌کند.

مدرن - و حتی جنگ‌های جهانی اول و دوم - را در نگاه لوتر نسبت به جهان جست‌وجو کرده‌اند؛ نگاهی که در اصل به دنبال آزادکردن انسان از تسلط کلیسا و وساطت کشیش بین انسان و خدا بود. سوژه‌سازی گاه با رجوع فرهنگی و برجسته‌کردن بخشی از فرهنگ همراه است؛ پیامد این رجوع گاه ایدئولوژیک کردن فرهنگ و یا بیدارکردن غول سنت با عوارض گوناگون آن است. روشنفکران در طرح‌های سوژه‌سازی خود بسیار دچار خطا می‌شوند، ولی دعوت آدمیان به در خردش آیشیدن را به بهانه‌ی این خطاها نمی‌توان پایان داد؛ زیرا آنچه فراسوی این دعوت باقی می‌ماند انسان به مثابه ابژه و شیء، سازمان‌های بوروکراتیک و سیستم‌های ماهر، فرهنگ‌بودگی و تکنوکراسی، احالی رنج و خشونت و ناشادی و نابرابری و سامرشی آدمیان به اقتضایی از جهان فیزیک یا مشیتی از دنیای متافیزیک است.

فرهنگ روشنفکری از یک ریسی از خرده‌فرهنگ‌های مؤثر در جوامع معاصر محسوب می‌شود و سو. دیگر انواع خرده‌فرهنگ‌های روشنفکری به‌نوبه‌ی خود گرایش‌های فرهنگی متنوعی در جامعه صورت‌بندی می‌کنند. به این دلیل شناخت الگوهای متنوع فرهنگ روشنفکری در هر جامعه در واقع کمک به شناخت گرایش‌های فرهنگی در آن - است. فرهنگ روشنفکری پدیده‌ای همدست و یکسان نیست و خود بر جنبه‌های مختلف فرهنگ تأکید دارد. فرهنگ همواره دو بعد گذشته‌گرا و آینده‌نگر، جهان‌محلم، همسانی و تفاوت، عام‌گرایانه و خاص‌گرایانه دارد. فرهنگ‌های مختلف روشنفکری نیز با شیوه‌های مختلف بر یکی از این ابعاد دوگانه و یا بر تعامل بین آن‌ها تأکید دارند. کارکرد سیاسی و فرهنگی روشنفکران تا حد زیادی به صورت مکرر آنان بستگی دارد. در یک نگرش کلی می‌توان از دو نوع/صورت فرهنگ روشنفکری سخن گفت: استعلایی و گفت‌وگویی.^۱

روشنفکران الهام‌دهندگان حرکت‌ها و بازی‌های جدید و پیام‌آوران تحول و دگرگونی اجتماعی‌اند. امروزه از دو نوع تحول اجتماعی می‌توان سخن گفت:

۱. در مورد مفهوم گفت‌وگو و قلمروهای آن در عرصه‌های روزمره، جامعه‌ی مدنی و مقیاس تمدنی نک. پایا، ۱۳۸۱؛ خانیکی، ۱۳۸۱؛ خانیکی، ۱۳۸۷.

دگرگونی‌هایی که از منطق تکنولوژی و سیستم‌ها برمی‌خیزد و دگرگونی‌هایی که روشنفکران از آن‌ها سخن می‌گویند. این روشنفکران امروزه اغلب بخشی اندام‌وار از جنبش‌های اجتماعی جدیدند و از منطق گفت‌وگویی حمایت می‌کنند. امروزه فعالیت‌ها و تأثیرگذاری احتمالی متخصصان و روشنفکران را باید به ترتیب در اثرگذاری سیستم‌ها و جنبش‌ها جست‌وجو کرد. فراتر از این، دوگانگی‌های سیستم‌ها و جنبش‌های گویای زمانه به آدم‌های ارتباطی و گفت‌وگویی می‌اندیشد که عقلانیت ابزاری و عقلانیت ارتباطی، تکنولوژی بایستگی‌اش، توسعه‌ی دانش در حوزه‌ی عمومی، تقویت فرایندهای تعاملی در بین فضاها، علمی و فرهنگی، سودمندی و حقیقت و اجراورگی و منطق مدالطه^۱ با هم پیوند می‌دهد.

جهان در نیمه دوم قرن بیستم به تدریج در حال شکاف بین جهان تولید، ابزارگرایی، کالایی و زر، و جهان انتقاد و دفاع از ارزش‌ها و نهادهای اجتماعی و دوپارگی کامل اندیشه‌ی، بان‌فنی-اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی است. وظیفه‌ی روشنفکران گفت‌وگویی که به ایجاد پل‌های ارتباطی بین دو جهان تفکیک‌شده‌ی اقتصاد و فرهنگ و جلوگیری از گسترش شکاف بین تکنولوژی و جامعه است. این روشنفکران باید دوپارگی‌های ناشی از انفصال مدرنیته از سنت، خرد از احساس، درین ارزناز و حاکمان از تحت‌سلطه‌ها را رفو کنند. روشنفکران گفت‌وگویی باید به میاجگیری اجتماعی و سیاسی دست بزنند و با پادرمیانی بین دنیای ابزاری و دنیای نمادین، از تقلیل جامعه‌ی مدنی به یک بازار یا یک اجتماع بسته جلوگیری کنند. در فقدان وساطت روشنفکران گفت‌وگویی، ارتباطات میان فرهنگ و میان آدمیان و نهادهای متنوع جای خود را به پیروزی انواع و اقسام بنیادگرایی‌های بازار، سیاست و فرهنگ می‌دهد.^۲

۱. درباره‌ی دو مفهوم اجراورگی (performativity) و منطق مغالطه (paralogy) نک. لیوتار، ۱۳۸۱.

۲. این تحلیل درخشان آلن تورن، جامعه‌شناس فرانسوی، از وضعیت دوپاره‌ی جهان معاصر در کتاب نقد مدرنیته (۱۳۸۰) است.